فصلنامه مددکاری اجتماعی
و
بهزیستی اجتماعی

فرصتی برای بازنگری: ارائه الگوی اجرای سیاست‌های رفاهی با نگاهی به برنامه هفتم توسعه کشور

مهدی فقانی[۱]، اسماعیل گرجی پور[۲]، محمدجواد ایمانی خوشخو[۳]

شماره ۲
سال اول
زمستان ۱۴۰۰

چکیده

با وجود تجربه برنامه‌ریزی توسعه در دهه‌های گذشته، به نظر می‌رسد اهداف مورد نظر به صورت مقتضی محقق نگردیده است. هدف پژوهش حاضر با توجه به اینکه رفاه اجتماعی یکی از استراتژی ها و سیاست‌های تمامی دولت‌ها می‌باشد، ارائه الگویی به منظور تحقق حداکثر تأمین رفاه اجتماعی است. در این پژوهش، داده‌ها به روش داده‌بنیاد و با استفاده از ابزار مصاحبه نیم‌ساخت‌یافته جمع‌آوری شده و ۵۱ نفر از صاحبنظران در وزارت تعاون، کار و رفاه‌اجتماعی، سازمان تأمین اجتماعی و سازمان بهزیستی بوده بر مبنای نمونه‌گیری تدریجی مورد مصاحبه قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش کدگذاری سه مرحله‌ای با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA12 انجام شد و مدل نهایی پژوهش شامل: محیط، ساختار سازمانی، ارتباطات، استراتژی‌ها، منابع، گرایش‌های مجریان و پیامدها بدست آمد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد اجرای خط‌مشی‌ها در ایران با مسایل مهمی نظیر: ضعف نظارت و ارزیابی، تعارض منافع، رویکرد و استراتژی‌های ناکارآمد در سیاست‌گذاری رفاه اجتماعی، مشکلات بوروکراتیک در ماشین دولت و ضعف در نظام اطلاعات ثبتی روبرو است و از سوی دیگر، رفاه اجتماعی در کشور تا حد زیادی تحت تاثیر محیط بین‌المللی (تحریم‌ها) و سیاست‌های کلان اقتصادی (خصوصاً در زمینه توزیع درآمد) قرار دارد. عدم وجود متولی پر قدرت و محوری در نظام سیاست‌گذاری که ادغام وزارتخانه‌ها دلیل مضاعفی بر این امر گردیده از مشکلات عمده محسوب می‌شود. بنابراین پیشنهاد می‌گردد با ایجاد نظام نظارتی و ارزیابی بر اجرای خط‌مشی‌ها و سیاست‌های رفاهی و استفاده از ظرفیت شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی و بهره‌گیری مناسب از پایگاه اطلاعات رفاهی ایرانیان می‌تواند در تامین حداکثر رفاه اجتماعی موثر باشد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری، رفاه اجتماعی، اجرای خط‌مشی، استراتژی

۱. دکتری مدیریت دولتی گرایش خط‌مشی‌گذاری عمومی دانشگاه آزاد واحد فیروزکوه
آدرس نویسنده مسئول: تهران، خیابان آزادی- نبش بهبودی- ساختمان اصلی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی- شماره تماس: ۰۲۱۶۴۴۹۲۹۰۶- ۰۹۱۱۸۱۹۵۲۰۷- ایمیل: ri.ca.uta@inami.J
۲. کارشناسی ارشد اقتصاد
۳. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی)*

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

مقدمه

در میان عرصه‌های مختلف سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاری رفاه اجتماعی یکی از پرچالش‌ترین عرصه‌ها برای خط مشی‌گذاری محسوب می‌شود. چرا که رفاه اجتماعی پدیده‌ای است که با پیدایش و گسترش سازمانها، نهادها، موسسات دولتی و غیردولتی ابعاد گسترده تری به خود گرفته و به عنوان شاخه‌ای از فرایند توسعه به شمار می‌رود (حق جو، ۱۳۹۵). هر تغییری در سیاست اجتماعی، وسیع‌ترین اقشار جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد و مشروعیت دولت‌ها تا حد زیادی به سیاست‌های رفاهی گره خورده است. در کشور ما با وجود پشتوانه‌های قانونی قوی برای سیاست‌گذاری رفاه اجتماعی کارآمد، شاهد عدم تحقق مطلوبات مورد نظر قوانین موجود در این راستا بوده‌ایم. از قانون اساسی به عنوان قانون مادر تا قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی و سایر قوانین، بر لزوم تحقق ابعاد مختلف رفاه اجتماعی در کشور تصریح شده اما در شرایط فعلی، بین آرمان‌های موجود در قوانین و وضعیت موجود، فاصله وجود دارد.

پژوهش حاضر در صدد است تا با عنایت به دغدغه‌ی فوق، مدلی از اجرای سیاست‌های رفاه اجتماعی را با نگاهی به برنامه هفتم توسعه ترسیم نماید. امروزه بر اساس رویکردهای خط‌مشی‌گذاری اعم از از بالا به پایین یا از پایین به بالا یا تلفیقی، مدل‌های خط‌مشی متفاوتی ارائه شده است که اتخاذ هر یک مستلزم میزان تناسب و انطباق با شرایط محلی کشور است و بدون این انطباق، کارآمدی این مدل‌ها مورد تردید خواهد بود. مسئولیت دولت‌ها در تحقق رفاه اجتماعی در ابعاد مختلف حمایت اجتماعی، آموزش، بهداشت، مسکن و اشتغال در قوانین و اسناد بالادستی نظیر قانون اساسی کشور به صراحت ذکر شده و این اصول در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی (۱۳۸۳) بسط یافت و بر اساس قوانین موجود، تشکیلات رفاهی گسترده‌ای شامل شورای عالی رفاه و تامین اجتماعی، وزارت رفاه و تامین اجتماعی، سازمان بهزیستی کشور، کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان تامین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی، بنیاد شهید و امور ایثارگران و نظایر آن، ایجاد گردید. بنابراین به جرأت می‌توان بر عزم نظام تقنین و اجرای کشور برای تحقق رفاه اجتماعی تصریح نمود اما سوال اینجاست که چرا علیرغم صرف زمان و انرژی و منابع مالی معتنابه برای برنامه‌ریزی در سطح ملی، فاصله زیادی با اهداف رفاهی مورد نظر در سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه وجود دارد. طرح یک مدل اجرای خط‌مشی‌های رفاهی منطبق با شرایط داخلی کشور، می‌تواند کمک موثری به کاهش شکاف بین برنامه‌ریزی و اجرا در عرصه سیاست‌گذاری رفاه و تامین اجتماعی باشد.

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

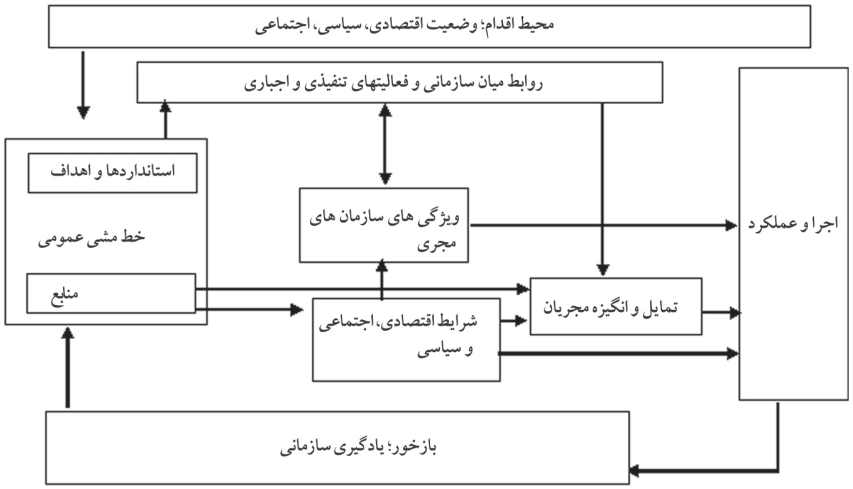
لذا این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که الگوی اجرای سیاست‌های رفاه اجتماعی چیست؟ پاسخگویی به این سوال اصلی، مستلزم پاسخ به سوالات فرعی زیر است: مسایل موجود اجرای سیاست‌های رفاهی در کشور از چه قرار است؟ عوامل موثر بر الگوی اجرای سیاست‌های رفاه اجتماعی کدامند؟ استراتژی‌ها و استراتژی‌های الگوی اجرای سیاست‌های رفاه اجتماعی کدامند؟

۲- ادبیات تجربی و نظری: اجرای استراتژی‌ها و خط‌مشی رفاهی

۲-۱- نظریات استراتژی‌ها و اجرای خط‌مشی‌ها

به طور کلی نظریات اجرای خط مشی را می‌توان به سه رویکرد اصلی تقسیم نمود: رویکرد از بالا به پایین، رویکرد از پایین به بالا، رویکرد تلفیقی (Sign'e, 2017). باتوجه به مطالعات صورت گرفته بر روی مدل‌های اجرای خط مشی موجود، در این پژوهش سعی خواهد شد که از یک مدل ترکیبی بر مبنای مدل‌های پرکاربرد ون‌میتر و ون‌هورن[1]، ادواردز[2] ومتلند[3] استفاده شود.

مدل ون‌میتر و ون‌هورن مطابق با رویکردهای بالا به پایین و پایین به بالا ترسیم شده و تأکید آن بر تمایل و انگیزه مجریان[4] است (Barrett, 2014). فرایند اجرا به صورت یک سلسله مراحلی که در شکل زیر نشان داده شده اند. این فلش‌ها از خط مشی تدوین شده به اطراف و جلو حرکت می کنند؛ اما به آن بازنمی گردند.



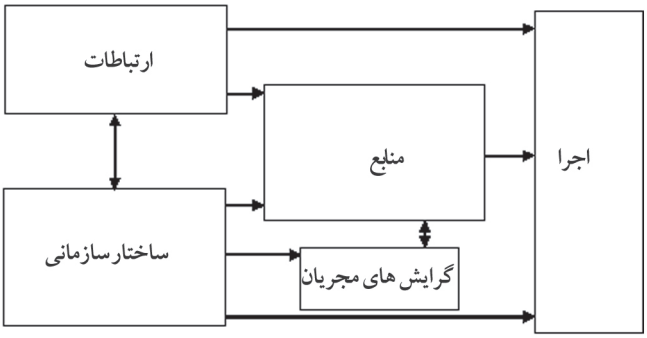
(Van Meter& Van Horn (1975

شکل ۱: مدل فراین خط مشی اجرا ونمیتر و ون هورن

1. Van Meter& Van Horn
2. Edwards
3. Matland
4. Disposition of Implementers

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

در مدل ادواردز (۱۹۸۵)، ارتباطات و ساختار سازمانی بر منابع لازم برای اجرا اثر میگذارند و این مجموعه عوامل به همراه گرایش‌ها و علائق مجریان منجر به اجرا می‌گردد. در صورتی که گرایش‌های مجریان مساعد و موافق موضوع خط مشی بوده و منابع لازم فراهم باشد، می‌توان انتظار تحقق کارآمد اجرا را داشت. البته ساختارهای انعطاف پذیر سازمانی و سهولت ارتباطات بین عوامل اجرا لازمه اجرای موفق بشمار می‌آید.



شکل ۲: مدل ادواردز

(ادواردزف ۱۹۵۸ به نقل از راچ پاودل، ۲۰۰۹)

متلند (۱۹۹۵) نیز مدلی را برای اجرا بر اساس دو متغیر «تعارض سیاسی» و «ابهام در سیاست» ارائه کرده است که چهار نوع شیوه اجرا از آن حاصل می‌شود. اهمیت مدل وی، نوع توجه وی به استراتژی‌ها در اجرا است.

۲-۲- نظام سیاست‌گذاری رفاهی در ایران

سازمان ملل متحد واژه رفاه اجتماعی را این گونه تعریف کرده است: «رفاه اجتماعی دامنه وسیعی از فعالیت‌ها و برنامه‌هایی را که تحت نظارت و با کمک دولت برای بهزیستی افراد و جامعه انجام می شود، دربر می‌گیرد» (Dearden et al., 2012). رفاه اجتماعی، به بهبود جامعه اطلاق می‌شود. «رفاه احتماعی به اصلاح شرایط زندگی فرد یا گروه زیان دیده از لحاظ جسمی، فکری، هیجانی، اقتصادی یا ناتوان از لحاظ اجتماعی و یا به شکل دیگر مشخص شده است» (منصور، ۱۳۸۶، ۵۲).

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان عنوان کرد که در اصول «۳»، «۹»، «۱۲»، «۲۱»، «۲۹»، «۳۱» و «۴۳» به موضوعات مختلف رفاه اجتماعی پرداخته شده است. در سند چشم‌انداز بیست ساله نظام جمهوری اسلامی، برخورداری از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب درآمد،

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و ... مورد تأکید قرار گرفته است.

با تصویب قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در سال ۱۳۸۳، وزارت رفاه و تأمین اجتماعی مسئولیت امور حاکمیتی نظام تأمین اجتماعی کشور و ساماندهی نهادهای بیمه‌ای و حمایتی را بر عهده گرفت. این وزارتخانه در سال ۱۳۹۰ با دو وزارتخانه تعاون، کار و امور اجتماعی ادغام شد و وزارتخانه جدیدی به نام «وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی» شکل گرفت. در حال حاضر مسئولیت‌های وزارت رفاه و تأمین اجتماعی سابق در زیرمجموعه این وزارتخانه بر عهده معاونت رفاه اجتماعی قرار دارد. از سوی دیگر شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی به ریاست رئیس جمهور و عضویت هشت وزیر، رئیس سازمان برنامه و بودجه (مدیریت و برنامه ریزی سابق) و سه نفر نماینده مجلس شورای اسلامی، عالی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی است.

اگرچه می‌توان به جرأت عنوان کرد که عمده دستگاه‌ها و نهادهای رسمی کشور به نحوی در وضعیت رفاه اجتماعی کشور دخیل هستند، اما سازمان‌ها و نهادهای دارای مسئولیت مستقیم در نظام رفاهی ایران از این قرار است: وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، سازمان بهزیستی کشور، سازمان برنامه و بودجه (مدیریت و برنامه‌ریزی) کشور، صندوق بازنشستگی کشوری، سازمان تامین اجتماعی، وزارت دفاع (سازمان بیمه و بازنشستگی نیروهای مسلح)، کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیاد شهید و امور ایثارگران، صندوق بازنشستگی کشوری، صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر، سازمان بیمه سلامت ایران، سازمان بیمه و بازنشستگی نیروهای مسلح، صندوق بیمه پایه کارکنان، جمعیت هلال احمر، شهرداری‌ها، سازمان مدیریت بحران، سازمان آموزش و پرورش استثنایی (سبحانیان، ۱۳۹۵).

۲-۳- مروری بر برنامه‌ریزی توسعه در ایران

بررسی و شناخت برنامه‌های توسعه بستر مناسبی برای درک اولویت‌های دولت‌ها در بازه‌های زمانی مختلف هستند. سیاست‌های رفاهی در میان سیاست‌های مختلف، یکی از اولویت‌های برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب بوده‌اند و لازم است، تا ارتباط آن‌ها با کلیت برنامه و شرایط اقتصادی و اجتماعی مورد تامل قرار گیرد.

در برنامه‌های اول و دوم توسعه، حدود ۵ درصد منابع به تامین اجتماعی و بهزیستی اختصاص پیدا کرد و در آن به یارانه‌ها و بیمه‌های همگانی و تکمیلی توجه گردید و مواردی نظیر حذف یا ادغام نهادهای موازی، تامین پوشش کامل تامین اجتماعی در عین کاهش هزینه‌های اداری، استفاده از ظرفیت موسسات خیریه و وقف، ایجاد هماهنگی بین سیاست‌های رفاهی و... طرح گردید. در برنامهٔ سوم، سپاه دانش با هدف ارتقا سطح بهداشت در مناطق روستایی، تأسیس شد و به زعم برخی، در این برنامه به توسعه همه‌جانبه توجه شده است. اما در برنامه چهارم توسعه به صورت مشخص به این

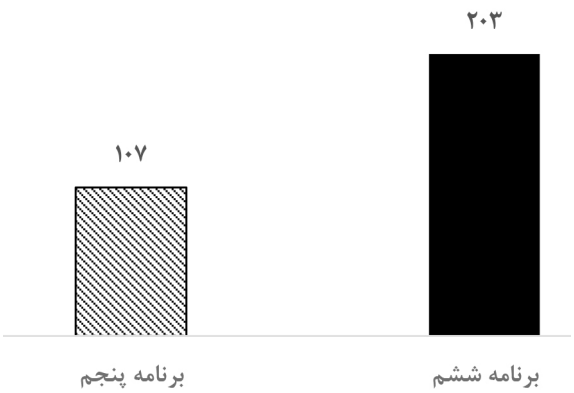
شماره ۲
سال اول
زمستان ۱۴۰۰

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

موارد اشاره شده است و از این نظر، گام رو به جلویی برای سیاست‌گذاری رفاهی کشور تلقی می‌شود: «هدفمند نمودن یارانه‌ها، استقرار نظام شناسایی خانوارهای کم‌درآمد و متوسط، برپایی نظام کارآمد، فراگیر و جامع تامین اجتماعی، تامین حداقل معیشت مردم، سازماندهی دستگاه‌ها و نهادهای حمایتی و امدادی دولتی در قالب تشکیلاتی با عنوان وزارت رفاه و تامین اجتماعی، توسعه کارآمد کارآفرینی و توانمندسازی فقرا» (زاهدی اصل، ۱۳۹۷ و امیدی، ۱۳۹۱).

اما در خصوص برنامه پنجم و ششم توسعه، در نمودارهای زیر سعی شده تا فراوانی مقولات مرتبط با سیاست‌گذاری رفاه اجتماعی مورد مقایسه قرار گیرد. این مقولات عبارتند از: وزارت رفاه (رفاه و تامین اجتماعی/تعاون، کار ورفاه اجتماعی)، سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی، فقر و فقیر، نیازمند، بی‌بضاعت، دهک پایین، آسیب‌های اجتماعی، اقشار آسیب‌پذیر، حمایتی، توانمندسازی، مددجویان و افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی، مستمری و یارانه (رفاهی)، معلولان و افراد با نیازهای خاص و بیماران روانی، سالمندان، توانبخشی، غربالگری، رفاه، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی، زنان سرپرست خانوار، کودکان خیابانی و کار و بی‌سرپرست، نظام جامع تامین اجتماعی چندلایه.

نتایج این بررسی در جداول زیر قابل ملاحظه است:



شکل ۳: مقایسه فراوانی مجموع کلیدواژه‌های رفاهی در برنامه پنجم و ششم توسعه

منبع: محاسبه محقق

در نمودار فوق مشخص است که مسایل و موضوعات رفاهی، وزن به مراتب بیشتری را در این قانون نسبت به برنامه پنجم توسعه داشته است. همچنین بررسی نمودار زیر می‌تواند در فهم تمایزات برنامه ششم موثر باشد:

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]



شکل ۴: مقایسه فراوانی کلیدواژه‌های رفاهی در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه

منبع: محاسبه محقق

ملاحظه می‌شود که برنامه‌ریزی توسعه در زمینه رفاه اجتماعی طی چند دهه برنامه‌ریزی توسعه، فرایندی رو به پیشرفت بوده است؛ به نحوی که در هر برنامه سعی شده تا از نقایص برنامه قبل کاسته شده و دایره گسترده‌تری از موضوعات رفاهی مورد شمول قرار گیرد. اما به راستی چرا این برنامه‌ریزی رو به پیشرفت، نتوانسته به اهداف مطلوب خود دست یابد. پاسخ آن را باید در پیچیدگی‌های اجرا جست و در ادامه به این مهم پرداخته می‌شود.

۲-۳- پیشینه پژوهش

در کشور ما پژوهش‌های معدودی در ارتباط با مدل اجرای خط‌مشی‌ها خصوصا در زمینه رفاه اجتماعی صورت گرفته که از این میان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد. پژوهش نعیمایی و همکاران (۱۳۹۵) با موضوع بررسی چالش‌های اجرای نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در ایران دهه ۱۳۹۰، با رویکرد نهادی به این نتیجه رسیدند که دولت‌ها با نگاه درمانی بجای پیشگیری برای انجام و اجرای امور رفاهی اقدام به ساختارسازی، ایجاد سازمان‌ها و دیوان‌سالاری نمودند. در پژوهش دیگری منوریان (۱۳۹۴) تحت عنوان مدل اجرای خط مشی‌های اصلاح اداری با رویکرد یادگیری با استفاده از نظریه داده بنیاد، نظام اداری با ویژگی‌هایی چون چابکی، خدمات دولتی با کیفیت و ارزان، افزایش

شماره ۲
سال اول
زمستان ۱۴۰۰

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

و سهولت دسترسی شهروندان به خدمات دولتی، ارتقای رضایت کارگزاران دولتی و افزایش رضایت مردم از خدمات دولتی را مطرح نمودند. در تحقیق دیگری منوریان و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان طراحی مدل خط مشی‌گذاری به منظور بهبود محیط کسب و کار جمهوری اسلامی ایران با استفاده از نظریه‌ی داده بنیاد و با انجام مصاحبه‌های کیفی با خبرگان، مدل بهبود محیط کسب و کار را ارائه نمودند. پژوهش کریمی (۱۳۸۸) با عنوان الگوی پیشنهادی نظام جامع تأمین اجتماعی چند لایه برای ایران، الگوی نظام چند لایه با اهداف فقرزدایی و تامین اجتماعی ارائه نمودند. تحقیق عباسی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی موانع اجرای خط مشی‌های عمومی در سازمان‌های دولتی (مطالعه موردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) پرداخته که با استفاده از پیمایش ۳۰۶ نفر به این نتیجه دست یافت که مشکلات مربوط به تدوین‌کنندگان خط‌مشی، مجریان و استفاده‌کنندگان، ماهیت خط‌مشی سازمان مجری، انواع کنش‌ها و گروه‌های فشار و محیط با اجرای خط‌مشی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی رابطه دارند. از مرور پیشینه پژوهش‌های مذکور برمی‌آید که علیرغم طرح الگوهای اجرای خط‌مشی در برخی تحقیقات، تاکنون پژوهش کیفی و اکتشافی برای احصای مهمترین مولفه‌های الگوی خط‌مشی‌های رفاه اجتماعی صورت نگرفته است.

۳- روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، از نظریه‌ی روش‌شناختی داده بنیاد (زمینه‌ای)[1] استفاده شد. در نظریه داده بنیاد از یک سلسله رویه های سیستماتیک استفاده گردید تا نظریهای اکتشافی دربارهی پدیدهای ایجاد کند. در این روش نه تنها مفاهیم و رابطه‌ای بین آنها ایجاد می‌شود، بلکه آنها به طور موقتی نیز مورد آزمایش قرار میگیرند (فلیک، ۱۳۸۹، ۱۴۱). در این تحقیق از گروه خبرگان استفاده شده و بر اساس آن خبرگان با انتخاب تدریجی و بر مبنای مرتبط بودن[2] تعیین گردیدند. این نوع نمونه‌گیری، انباشتی است و مفاهیم و روابط آن‌ها به خاطر تاثیر متقابل گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل روی یکدیگر، افزایش می‌یابند و با این افزایش، عمق و تمرکز نمونه‌گیری نیز زیاد می‌گردد (استراس و کوربین، ۱۳۸۷: ۱۷۷). بنابراین، تلاش شد تا خبرگانی به عنوان نمونه انتخاب گردند که دارای بالاترین سوابق در زمینه سیاست‌گذاری و علمی (عضو هیات علمی ، وزیر رفاه، معاون وزیر، مدیرکل و پژوهشگر حوزه رفاه اجتماعی) باشند؛ چرا که اظهارنظر در سطح کلان سیاست‌گذاری رفاه اجتماعی نیازمند اشراف بالایی بر ابعاد چندگانه رفاه و تامین اجتماعی است. سابقه‌ی پژوهشگران در حضور در عرصه سیاست‌گذاری رفاه اجتماعی به انتخاب بهترین نمونه‌های مدد رسانده است. مشخصات مصاحبه‌شوندگان در ذیل ارائه گردیده است:

1 Grounded Theory
2 Relevance

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

جدول ۱. مقولات انتخابی و فراوانی کدها

شماره	تحصیلات	سوابق کاری و تجربی
E1	دکتری توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای	استاد و هیئت علمی دانشگاه- وزیر رفاه و تامین اجتماعی- مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی
E2	دکتری اقتصاد	استاد و هیئت علمی دانشگاه - معاون وزیر رفاه و تامین اجتماعی- معاون سازمان برنامه وبودجه کشور
E3	دکتری	استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه - مدیرعامل صندوق بیمه اجتماعی روستائیان وعشایر- معاون وزیر رفاه و تامین اجتماعی– معاون سازمان برنامه و بودجه کشور – معاون شهرداری تهران
E4	دکتری مدیریت دانشگاه تهران	عضو و نائب رئیس هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی – مدیرعامل شرکت رفاه گستر سازمان تامین اجتماعی
E5	دکتری مددکاری اجتماعی	مدیر کل مشارکت‌های مردمی ریاست جمهوری - مدیر کل آسیب های اجتماعی وزارت رفاه و تامین اجتماعی -مدیر کل آسیب های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور- رئیس انجمن مددکاری ایران
E6	دکتری رفاه اجتماعی	مدیر گروه رفاه مرکز پژوهش‌های مجلس - مدیر گروه مطالعات رفاه موسسه عالی پژوهش – مشاور ارشد حوزه رفاه موسسه تحقیقات دانشگاه شاهد
E7	دکتری	معاون اموراجتماعی سازمان بهزیستی کشور
E8	دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی	عضو هیات علمی دانشگاه تهران- پژوهشگر حوزه رفاه وتامین اجتماعی
E9	فوق لیسانس	پزوهشگر حوزه رفاه وتامین اجتماعی – رئیس هیات مدیره صندوق بیمه اجتماعی روستائیان و عشایر – معاون سازمان تامین اجتماعی
E10	فوق لیسانس اقتصاد	پزوهشگر حوزه رفاه وتامین اجتماعی – رئیس اداره امور رفاه اجتماعی سازمان برنامه وبودجه
E11	کارشناسی ارشد	رییس دبیرخانه هیات امنای سازمان تامین اجتماعی و صندوق‌های تابعه
E12	کارشناسی ارشد	مدیر کل دفتر بیمه‌های سلامت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
E13	کارشناسی ارشد	مرکز پژوهش‌های مجلس و مدیرکل دفتر امور بیمه‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
E14	دکتری اقتصاد	معاون وزیر و نماینده سابق مجلس
E15	دکتری اقتصاد	مرکز پژوهش‌های مجلس و مدیرکل دفتر مطالعات رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

شماره ۲
سال اول
زمستان ۱۴۰۰

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته استفاده شده است. به منظور مقوله‌بندی اطلاعات حاصل از این مصاحبه‌ها از نرم‌افزار MAXQDA12 استفاده شده است تا علاوه بر سهولت طبقه‌بندی داده‌ها، بر دقت تحلیل داده‌ها افزوده شود.

۴- یافته‌های تحقیق

یافته‌های حاصل از مصاحبه کیفی با خبرگان، طی سه مرحله از مقولات باز به مقولات محوری و سپس به مقولات انتخابی کدگذاری شده‌اند. این فرایند طی رفت و برگشت بین نظریات و داده‌ها و به صورت بازاندیشانه صورت گرفت. ۲۵۰ کد باز از مجموع مصاحبه‌ها استخراج شد که از این تعداد، ۱۷ مقوله محوری انتزاع شد و در نهایت، تمامی مقولات ذیل سه مقوله اصلی «هدف اجرای خط‌مشی‌های رفاهی»، «مسایل اجرای خط‌مشی‌های رفاهی»، «شرایط زمینه‌ای اجرای خط‌مشی‌ها» و «استراتژی‌های اجرای خط‌مشی‌ها» طبقه‌بندی گردید. فراوانی کدها در هر یک از این سه مقوله در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۲. مقولات انتخابی و فراوانی کدها

مقولات انتخابی	فراوانی کدها
مسایل اجرا	۱۳۹
شرایط و زمینه‌های اجرا	۳۹
استراتژی‌های اجرا	۷۲
مجموع	۲۵۰

در ادامه هر یک از این مقولات مورد تحلیل قرار می‌گیرد و در نهایت، الگوی پارادایمی پژوهش از برآیند مقولات موجود ارائه می‌گردد:

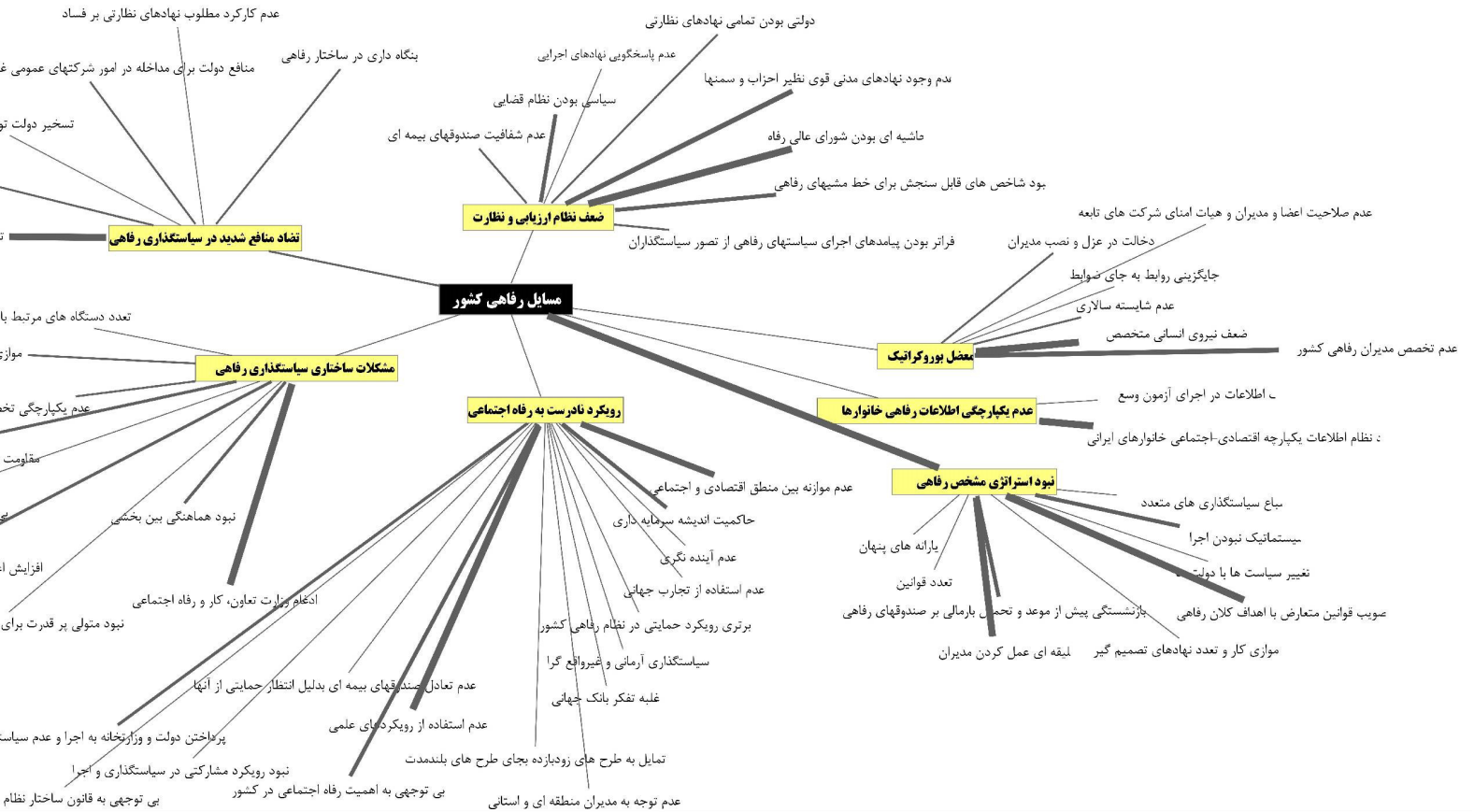
۴-۱- مسایل موجود در اجرای استراتژی‌ها و خط‌مشی‌های رفاهی کشور

در پاسخ به سوال اول پژوهش، خبرگان در توصیف مسایل موجود در اجرای خط‌مشی‌های رفاهی کشور به موارد متعددی اشاره نمودند که حکایت از مهمترین مسایل مبتلابه در این عرصه دارد. مهمترین مسایل مورد اشاره در شکل زیر ارائه شده است:

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

در ادامه در مورد هر یک از این مقولات توضیحاتی ارائه می‌شود:

شکل ۵: مسایل اجرای خط مشی های رفاهی



[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

۴-۱-۱- نبود استراتژی مشخص رفاهی در کشور

یکی از مهمترین موضوعات مورد اشاره خبرگان، نبود استراتژی مشخص در نظام اجرای سیاست‌گذاری رفاهی کشور است. اظهاراتی نظیر: «اشباع سیاست‌گذاری متعدد و متفاوت»، «سیستماتیک نبودن اجرا»، «تغییر سیاست‌ها با تغییر دولت‌ها»، «موازی‌کاری و تعدد نهادهای تصمیم‌گیر»، «سلیقه‌ای عمل کردن مدیران» و «تصویب قوانین مبهم و مساله‌ساز و متعارض با اهداف کلان رفاهی» مانند «بازنشستگی پیش از موعد و تحمیل بار مالی بر صندوق‌ها» به کرّات توسط خبرگان مورد تاکید قرار گرفت.

۴-۱-۲- مشکل ساختاری در اجرای استراتژی‌ها و خط‌مشی‌های رفاهی کشور

بر اساس اظهارات نخبگان می‌توان «ادغام وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی» را یکی از مهمترین چالش‌های ساختاری در سیاست‌گذاری رفاهی کشور تلقی نمود. به دلیل کاهش قدرت سازمانی، توان اولویت‌بخشی به رفاه اجتماعی در گستره سیاست‌گذاری عمومی کشور کم و به تدریج باعث حاشیه‌ای شدن شورای عالی رفاه و حتی تقلیل شأن سیاست‌گذاری این وزارتخانه به یکی از مجریان رفاهی شد. حال آن که تمام تلاش‌های صورت گرفته پیش از ادغام، برای «ایجاد متولی پرقدرت و قوی برای افزایش التزام دستگاه‌های حاکمیتی به سیاست‌های کلان رفاهی» بود. در چنین شرایطی شاهد «مقاومت دستگاه‌های مجری برنامه‌های رفاهی برای هماهنگی»، بی‌اعتنایی دستگاه‌ها و سازمان‌ها به تکالیف قانونی مرتبط با رفاه اجتماعی»، «افزایش اعمال نفوذ گروه‌های ذی‌نفع در تدوین و اجرای سیاست‌ها»، «عدم یکپارچگی تخصیص منابع مربوط به یارانه‌ها» و «عدم نظارت در اصول خط‌مشی‌گذاری» هستیم.

۴-۱-۳- رویکرد نادرست به رفاه اجتماعی

به زعم خبرگان، رویکردهای غلطی از این دست، به اجرای خط‌مشی‌های رفاهی آسیب رسانده است: «غلبه تفکرات بانک جهانی»، «حاکمیت اندیشه سرمایه‌داری»، «عدم موازنه منطقی بین منطق اقتصادی و منطق اجتماعی»، «بی‌توجهی به قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی»، «نبود رویکرد مشارکت‌گرایانه در سیاست‌گذاری و اجرا»، «سیاست‌گذاری آرمانی و رویایی و غیرواقع‌بینانه»، «عدم آینده‌گری» و «انتظارات حمایتی از صندوق‌های بیمه‌ای».

۴-۱-۴- تضاد منافع شدید در عرصه اجرای استراتژی‌ها و خط‌مشی‌های رفاهی

یکی از مهمترین مسایل در عرصه سیاست‌گذاری رفاهی که در دهه‌های گذشته کمتر مورد توجه قرار گرفته، منافع بسیار متضادی است که میان بازیگران مختلف در عرصه اجرا وجود دارد (Barrett & Fudge, 1981). در این زمینه، خبرگان حتی به «منافع دولت برای دخالت در امور شرکت‌های عمومی غیردولتی مرتبط با رفاه» و «بنگاه‌داری در

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

ساختار رفاه اجتماعی» نیز در این راستا اشاره نموده‌اند. موضوع رفاه بعلاوه با مفهوم «تعارض منافع» به صورت جدی در ارتباط است که طی آن، افرادی که خود ذی‌نفع هستند، به عنوان تصمیمگیر یا مجری در عرصه‌های مختلف رفاه قرار می‌گیرند و بدین ترتیب آسیب زیادی به منافع عمومی و ملی وارد می‌شود. در این زمینه، خبرگان به مقوله «فساد گسترده و عدم کارکرد مطلوب نهادهای نظارتی» نیز اشاره داشته‌اند.

۴-۱-۵- ضعف نظام ارزیابی و نظارت وضعیت رفاهی در کشور

در ارتباط با این مقوله خبرگان بر این نظر بودند که «شورای عالی رفاه» نیز همانطور که ذکر شد، بدلیل حاشیه‌ای بودن در نظام سیاست‌گذاری کشور، امکان نظارت لازم را دارا نیست. مواردی نظیر «دولتی بودن تمام نهادهای نظارتی»، «عدم شفافیت صندوق‌های بیمه‌ای و تأمین اجتماعی»، «سیاسی بودن نظام قضایی»، «عدم پاسخ‌گویی دستگاه‌های اجرایی» و «عدم وجود نهادهای مدنی قوی نظیر سمن‌ها و احزاب» در زمره مسایل این حوزه می‌باشد.

۴-۱-۶- عدم یکپارچگی اطلاعات رفاهی خانوارها

در این زمینه، یکی از مهمترین خلأهای فعلی، «نبود نظام اطلاعات اقتصادی-اجتماعی دقیق و شفاف برای خانوارهای ایرانی» است که به دلیل «عدم اشتراک‌گذاری این اطلاعات در یک بستر مشترک» و عدم تجمیع آن‌ها، اجرای خط‌مشی‌های رفاهی را با چالش جدی روبرو است که از مصادیق این امر می‌توان به «ضعف آزمون وسیع (ارزیابی استحقاق سنجی)» اشاره کرد.

۴-۱-۷- معضل بورکراتیک

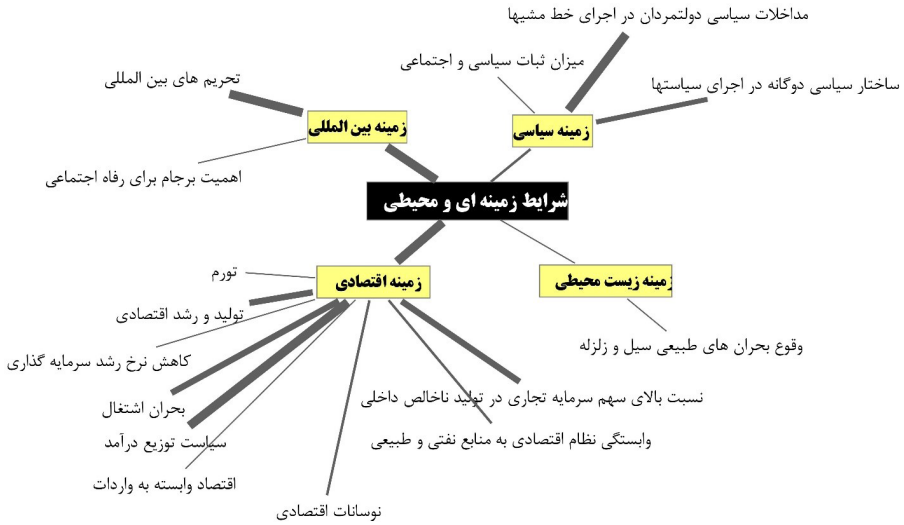
مواردی نظیر «ضعف نیروی انسانی متخصص»، «عدم مدیریت بهینه منابع»، «عدم شایسته‌سالاری»، «جایگزینی روابط به‌جای ضوابط» و «دخالت در عزل و نصب مدیران» از منظر خبرگان موجب تضعیف بوروکراسی خصوصاً در عرصه سیاست‌گذاری رفاهی شده است.

۴-۲- شرایط زمینه‌ای و محیطی در اجرای استراتژی‌ها و خط‌مشی‌های رفاهی

در پاسخ به سوال دوم پژوهش، خبرگان به مهمترین عوامل موثر بر اجرای خط‌مشی‌های رفاهی کشور اشاره کردند یکی از دلایل پیچیدگی سیاست‌گذاری رفاهی، تاثیر زمینه‌های بسیار گسترده بر اجرای خط‌مشی‌ها است.

شماره ۲
سال اول
زمستان ۱۴۰۰

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]



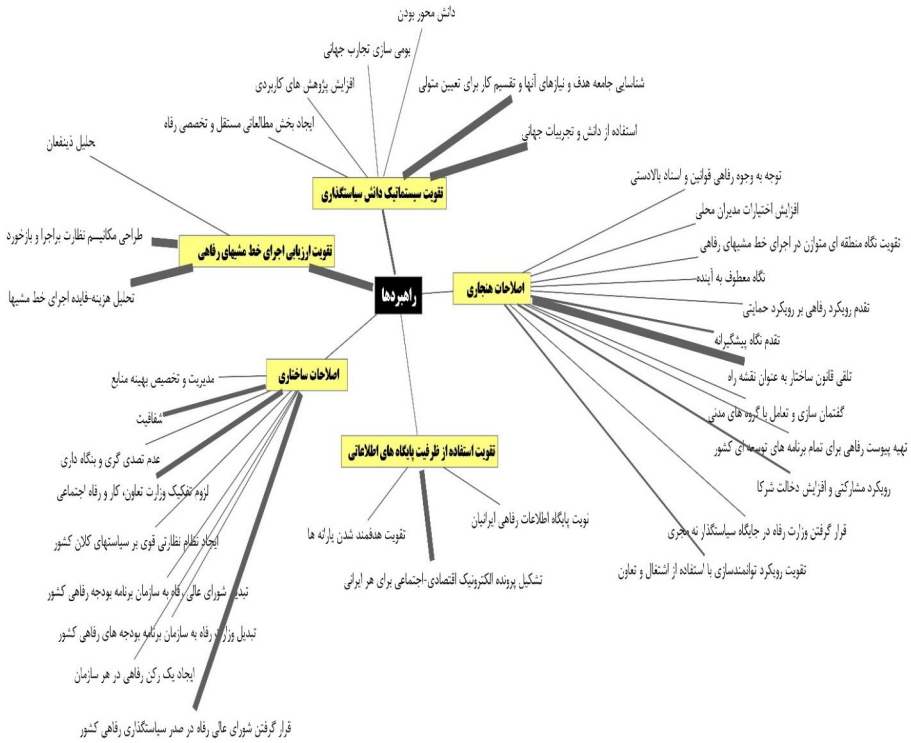
شکل ۶: شرایط زمینه‌ای و محیطی اجرای خط مشی‌های رفاهی

به طور کلی، پنج محیط اصلی به عنوان عوامل اصلی موثر بر اجرای خط‌مشی‌های رفاهی در اظهارات خبرگان شناسایی شد. اجرای تمامی خط‌مشی‌های رفاهی به نحوی تحت تاثیر محیط بین‌المللی شامل «اهمیت برجام برای رفاه اجتماعی» و نقش «تحریم‌های بین‌المللی» قرار گرفته‌اند. محیط اقتصادی نیز مشتمل بر: «وابستگی نظام اقتصادی به منابع نفتی و منابع طبیعی»، «سهم سوداگری بالا و سهم سرمایه تجاری در GDP» و «اقتصاد وابسته به واردات»، «سیاست‌های توزیع درآمد»، «نوسانات شدید اقتصادی»، «کاهش نرخ رشد سرمایه‌گذاری» و «بحران اشتغال» بر وضعیت اجرای خط‌مشی‌های رفاهی اثرگذار است. همچنین محیط سیاسی، محیط اجتماعی و تکنولوژیک نیز مورد اشاره خبرگان قرار گرفت.

۴-۳- استراتژی‌ها و خط‌مشی‌های الگوی اجرا

در پاسخ به پرسش سوم پژوهش، موارد زیر توسط خبرگان طرح گردیده است:

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]



شکل ۷:راهبردهای اجرای خط‌مشی‌های رفاهی

توضیحات این مقولات در ادامه ارائه شده است:

۴-۳-۱- اصلاحات هنجاری در نظام اجرای سیاست‌گذاری رفاهی کشور

از نظر خبرگان لازم است تا «رفاه به عنوان محور توسعه و نه صرفاً پیامد توسعه» نگریسته شود و در این راستا باید «قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی به عنوان نقشه راه» مبنا قرار گیرد.

۴-۳-۲- اصلاحات ساختاری در نظام سیاست‌گذاری رفاهی کشور

«قرار گرفتن شورای عالی رفاه در صدر سیاست‌گذاری رفاهی کشور» در راستای هماهنگی فرابخشی ضرورت دارد و پیش‌نهادهایی نظیر «تفکیک وزارت رفاه از بدنه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی»، ایجاد «ساختاری به عنوان سازمان برنامه امور رفاهی کشور» در راستای اجرای «سیاست‌های تخصیص منابع و بازتوزیع» و «ایجاد نظام نظارتی قوی در وزارت رفاه بر سیاست‌گذاری‌های کلان» توسط خبرگان پیشنهاد شد.

شماره ۲
سال اول
زمستان ۱۴۰۰

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

۴-۳-۳- تقویت سیستماتیک دانش استراتژی رفاه اجتماعی

از منظر خبرگان، «دانش‌محور بودن» از مهمترین ضرورت‌های موجود است و بدین منظور، «ایجاد مراکز مطالعاتی مستقل» نظیر تجربه تشکیل مرکز پژوهش‌های مجلس را به عنوان پیشنهاد طرح نمودند.

۴-۳-۴- تقویت استفاده از ظرفیت پایگاه‌های اطلاعاتی رفاهی

به زعم صاحبنظران، از طریق «تجمیع داده‌های بین‌بخشی» و «تقویت پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان» و «تشکیل پرونده الکترونیکی اقتصادی-اجتماعی برای هر ایرانی» می‌توان به کارآمدی به مراتب بیشتری از وضعیت فعلی دست یافت.

۴-۳-۵- تقویت ارزیابی اجرای خط‌مشی‌های رفاهی

از نظر مصاحبه‌شوندگان، «ارزیابی اثربخشی» و «تحلیل ذینفعان در ارزیابی‌های رفاهی» باید به قاعده دائمی و تخطی‌ناپذیر در تدوین و اجرای خط‌مشی‌های رفاهی بدل گردد.

۴-۴- الگوی پارادایمی اجرای خط‌مشی‌های رفاه اجتماعی

پس از کنار هم قرار دادن اجزای مختلف مباحث خبرگان ذیل مقولات محوری و انتخابی، می‌توان به یک روایت منسجم از چیستی الگوی اجرای خط‌مشی‌های رفاهی دست یافت. در شکل زیر این الگو ارائه شده است:



شکل ۸: مدل مفهومی پژوهش

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

مدل فوق از رفت و برگشت بین نظریات مرتبط با اجرای خط‌مشی و شواهد تجربی بدست آمده است. این یک مدل ترکیبی بر مبنای مدل‌های پر کاربرد ونمیتر و ون‌هورن، ادواردز و متلند است که در آن ضمن بهره‌گیری از مزایای رویکرد بالا به پایین، از عناصر رویکرد پایین به بالا نیز بهره گرفته شده است.

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اینک که زمان تدوین برنامه هفتم توسعه در آستانه شروع قرن جدید شمسی رسیده است، زمان مناسبی برای بازنگری بر رویه‌های گذشته سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد علیرغم حرکت رو به جلوی برنامه‌ریزی توسعه طی یک سده گذشته در ایران، اجرای خط مشی‌ها نتوانسته دسترسی به اهداف مطلوب را میسر سازد. این موضوع در ارتباط با سیاست‌گذاری رفاه اجتماعی به صورت مضاعفی صدق می‌نماید. رفاه اجتماعی حاصل هم‌افزایی اجزای مختلف سیاست‌گذاری عمومی شامل بهداشت، آموزش، مسکن و ... است و از این نظر، حائز پیچیدگی‌های معتنابهی می‌باشد. مروری بر رویه‌ی تقنینی و سیاست‌گذاری در کشور نشان می‌دهد که علیرغم توجه جدی و جامع به ابعاد گسترده رفاه اجتماعی در کشور، فاصله معتنابهی بین سیاست‌گذاری و اجرا وجود دارد و اهداف عمده مورد نظر اسناد بالادستی و تشکیلات رفاهی، به صورت مقتضی محقق نگردیده است. در این راستا در پژوهش حاضر سعی شد تا با استفاده از نظر خبرگان در بالاترین سطح سیاست‌گذاری رفاهی، الگویی برای بهبود اجرای خط‌مشی‌های رفاهی ارائه شود. مهمترین یافته‌های این پژوهش از این قرار است:

مدل ارائه شده شامل: محیط، ساختار سازمانی، ارتباطات، استراتژی‌ها، منابع، گرایش‌های مجریان و پیامدها است. اجرای خط‌مشی‌ها در ایران با مسایل مهمی نظیر: ضعف نظارت و ارزیابی، تعارض منافع، رویکرد و استراتژی‌های ناکارآمد در سیاست‌گذاری رفاه اجتماعی، مشکلات بوروکراتیک در ماشین دولت و ضعف در نظام اطلاعات ثبتی روبرو است و از سوی دیگر، رفاه اجتماعی در کشور تا حد زیادی تحت تاثیر محیط بین‌المللی (تحریم‌ها) و سیاست‌های کلان اقتصادی (خصوصاً در زمینه توزیع درآمد) قرار دارد. از منظر خبرگان به دلیل نبود یک متولی محوری و پرقدرت و تعدد سازمان‌های مرتبط با حمایت و رفاه اجتماعی با مشکل روبرو است. ادغام وزارت رفاه با دو وزارتخانه دیگر یکی از مهمترین چالش‌های ایجاد شده در این خصوص بوده است. شورای عالی رفاه و تامین اجتماعی نیز نتوانسته نقش محوری را در هماهنگی دستگاه‌های ذیربط ایفا نماید و در نتیجه شاهد نبود استراتژی رفاهی مشخص در کشور بوده‌ایم. در شرایطی که محیط بین‌المللی و داخلی موجب فشار مضاعفی بر وضعیت رفاهی مردم گردیده است، عدم تخصیص بهینه منابع مرتبط با خط‌مشی‌های رفاهی و عدم نظارت بر فرایندهای اجرا و نبود نظام ارزیابی، مانع مهمی برای افزایش کارآمدی

شماره ۲
سال اول
زمستان ۱۴۰۰

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

اجرای استراتژی‌ها و خط‌مشی‌های رفاهی است.

تجربیات محققان در عرصه پژوهش و اجرای استراتژی‌ها و خط‌مشی‌های رفاهی، بدین مهم رهنمون شده که کارآمدترین و سریع‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راهکار برای بهبود وضع موجود سیاست‌گذاری رفاهی و اجرای بهتر استراتژی‌ها و خط‌مشی‌ها، استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی برای ایجاد هماهنگی در سطح کلان کشور است.

استفاده استراتژیک از داده‌های روزآمد در بستر سامانه‌های اطلاعاتی این امکان را ایجاد می‌نماید تا نهادهایی نظیر شورای عالی رفاه و تامین اجتماعی و همچنین وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از مرجعیت اطلاعاتی لازم برخوردار شود. با توجه به این که این مهم امکان مرجعیت بودجه‌ای و نظارتی را نیز فراهم می‌آورد، اقتدار سازمانی که طی دهه‌های گذشته یکی از مفقوده‌های اصلی نظام رفاهی پس از انقلاب بوده، تقویت می‌گردد.

همچنین در راستای افزایش انسجام ساختاری، ایجاد سازمان ملی رفاه اجتماعی متشکل از ادغام معاونت رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با سازمان هدفمندی یارانه‌ها ذیل وزارتخانه مذکور می‌تواند یکی از اقدامات اثربخش باشد. چرا که علیرغم تصریح قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی (بند «د» ماده ۱۵) بر نقش شورای عالی رفاه و تامین اجتماعی در «بررسی، اصلاح و تأیید بودجه سالانه رفاه و تأمین اجتماعی در قالب سیاست‌های عمومی و بودجه‌ای کشور و پیشنهاد آن به هیئت وزیران» و مسئولیت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (بند «و» ماده «۱۶») در «تنظیم کلان بودجه عمومی دولت در قلمروهای بیمه‌های اجتماعی، بیمه‌های خدمات درمانی، امور حمایتی و امدادی کشور و پیشنهاد آن به شورای عالی رفاه و تأمین‌اجتماعی»، تصمیم‌گیری در مورد یارانه‌های کشور توسط این دو مرجع صورت نمی‌گیرد و این امر منجر به تفرق در نظام سیاست‌گذاری رفاهی کشور گردیده است.

علاوه بر این، تجمیع اطلاعاتی نظیر بودجه‌های صرف شده در نهادها و سازمان‌ها برای اجرای خط‌مشی‌های رفاهی و حمایتی، اطلاعات سمن‌های رفاهی و حمایتی و افراد تحت حمایت ایشان، تجمیع و همگام‌سازی اطلاعات ثبتی (کدپستی، اطلاعات حساب بانکی، اطلاعات مالیاتی و ...) در یک بستر واحد، می‌تواند جهشی بزرگ به سمت افزایش کارآمدی در تدوین و اجرای خط‌مشی‌های رفاهی ایجاد نماید.

۶- منابع

۶-۱- منابع فارسی

۱. استراس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۷). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی؛ رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه بیوک محمدی. تهران. انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲. امیدی، رضا (۱۳۹۱). تحلیل برنامه‌های عمران و توسعه ایران از منظر مولفه‌های برنامه‌ریزی اجتماعی. تهران: فصلنامه برنامه‌ریزی بودجه. شماره هفدهم (۴)

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

۳. حق جو، ناصر (۱۳۹۵). «رفاه اجتماعی و توسعه (مروری بر کارکرد برخی نهادهای حمایتی در ایران)»، تهران: فصلنامه رفاه اجتماعی و توسعه. شماره دوم (۶). صص ۷۵-۹۶

۴. زاهدی اصل، محمد (۱۳۹۷). بررسی تحولات نظام رفاه اجتماعی در ایران. تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی

۵. سبحانیان، سید محمد هادی (۱۳۹۵). گزارش کارشناسی «نظام رفاه و تامین اجتماعی در ایران: برخی چالش‌ها و راهکارهای برون‌رفت از آن‌ها». تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی (ssor.ir)

۶. عباسی، عباس؛ معتضدیان، رسول؛ قاسم میرزایی (۱۳۹۵). «بررسی موانع اجرای خط مشی‌های عمومی در سازمان‌های دولتی». تهران. فصلنامه مالیه عمومی و خط مشی دولت، شماره شش (۲). صص ۴۹-۶۳

۷. فلیک، اووه (۱۳۸۹). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی. چ دوم

۸. کریمی، مظفر (۱۳۸۸). «الگوی پیشنهادی نظام جامع تأمین اجتماعی چند لایه برای ایران». تهران: دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی شماره گزارش ۱۲۶۴۶

۹. گروه تحقیقاتی آینده‌بان (۱۳۹۶). آینده‌پژوهی ایران ۹۶، تهران. مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری

۱۰. لستر، جیمز و استوارت، جوزف (۱۳۹۱). فرایند خط مشی گذاری عمومی رویکرد تکاملی، مجیبی، تورج؛ طبری، مجتبی و خورشید، سهیل، تهران: نشر ساوالان. چ اول

۱۱. منوریان، عباس. (۱۳۹۴). «مدل اجرای خط مشی های اصلاح اداری با رویکرد یادگیری». تهران: فصلنامه مدیریت دولتی. دانشکدهی مدیریت دانشگاه تهران. شماره هفت(۴). صص ۸۳۹-۸۶۴

۱۲. منوریان، عباس؛ ایوبی اردکان، محمد؛ ایروانی، محمدجواد؛ زندی منش، محمدرضا (۱۳۹۲). «طراحی مدل خط مشی‌گذاری به منظور بهبود محیط کسب و کار جمهوری اسلامی ایران با استفاده از نظریهی داده بنیاد». تهران: فصلنامه مدیریت دولتی، دانشکدهی مدیریت دانشگاه تهران. شماره پنج (۲). صص ۱۲۵-۱۴۲

۱۳. نعیمایی، بنیامین؛ شکوری، علی (۱۳۹۵)، چالش‌های اجرای نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در ایران دهه ۱۳۹۰، فصلنامه ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. شماره شانزده (۶۳). صص ۹-۵۲

۶-۲- منابع انگلیسی

Barrett, S. & Fudge, C. (1981) Policy and Action: Essays on the Implementation of Public .Policy, (eds). London: Methuen

Barrett, S. (2014) "Implementation Studies: Time for a Revival? Personal Reflections on 20 .Years of Implementation Studies". Public Administration, 82 (2): 249 – 262

Dearden, P., Roland, R., Allison, G. & Allen, C. (2012) "Sustainable Livelihood Approaches – From the Framework to the Field, Supporting Livelihoods -Evolving Institutions", University of Bradford

Raj Paudel, Narendra (2009). "A Critical Account of Policy Implementation Theories: Status and Reconsideration". Nepalese Journal of Public Policy and Governance, xxv, 2. 36-54

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

Sign’e, Landry (2017). “Policy implementation – a synthesis of the study of policy imple-(mentation and the causes of policy failure”. OCP Policy Center (www.policycenter.ma

,“Van Meter D., Van Horn C. (1975), “The policy implementation process Administration and Society, 6, 4. 445-488

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

شماره ۲
سال اول
زمستان ۱۴۰۰

A Reflection Opportunity: Designing a Welfare Policy Impletmentation Model with an Emphasis on Law on the Seventh Development Plan

Mehdi Faghani[1], Esmail Gorjipoor[2], Mohammad Javad Imani Khoshkhoo[3]

Abstract

Introduction:target goals hasn't been actualized as it should be. The purpose of this study, regarding the fact that social welfare is one of the all governments' strategies and policies, is designing a model based on Grounded Theory to maximize social welfare. The research method is exploratory and the data were collected qualitatively by using semi-structured interview. The statistical population consists of experts of the Ministry of Cooperatives Labour and Social Welfare, Social Security Organization and State Welfare Organization that based on Grounded theory 15 people were selected. Data analysis done by three step coding by MAXQDA12 software. Results depict that lack of a powerful and pivotal administration in the policy-making system that has been intensified by the merger of ministries, is considered one of the main problems.Therefor it is suggested that by creating a monitoring and evaluation system on the implementation of welfare policies and use the capacity of the high council of welfare and social security and proper use of Iranian welfare infor-.mation system can be effective in maximization of social welfare

Keywords: Policy Making, Social Welfare, Policy Implementation, Strategy

1.PHD Graduate in Public Policy at Islamic Azad University- Firoozkooh Branch
2. MA Graduate in Economics at Islamic Azad University- Science and Research Branch
3.PHD Candidate in Political Sociology at Allameh Tabataba'i University

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]